



یادداشت

ثبات بازار ارز
با کاهش التهاب سیاسی



محمد عطریانفر

عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی ایران

در اقتصاد ایران، تحولات مربوط به جنگ، تشدید تحریم‌ها، محدودیت‌های تجاری و مالی و دشواری دسترسی به منابع ارزی، مستقیماً بر عرضه و تقاضای ارز اثر می‌گذارد. در کنار این عوامل خارجی، متغیرهای داخلی مانند کسری بودجه، رشد نقدینگی و عدم اعتماد فعالان اقتصادی نیز اهمیت دارند.

نکته مهم این است که بازار ارز تنها به وضعیت امروز اقتصاد نگاه نمی‌کند و انتظارات درباره آینده را نیز در قیمت‌ها منعکس می‌کند. بنابراین، در مقطعی که گرفتار تشدید تنش‌های سیاسی هستیم، حتی پیش از تغییر واقعی در درآمدهای ارزی، افزایش تقاضا می‌تواند به رشد نرخ ارز منجر شود. از این منظر، به نظر می‌رسد ثبات بازار ارز بدون کاهش نااطمینانی سیاسی و اقتصادی دشوار است و سیاست ارزی به‌تنهایی نمی‌تواند همه فشارهای موجود را خنثی کند.

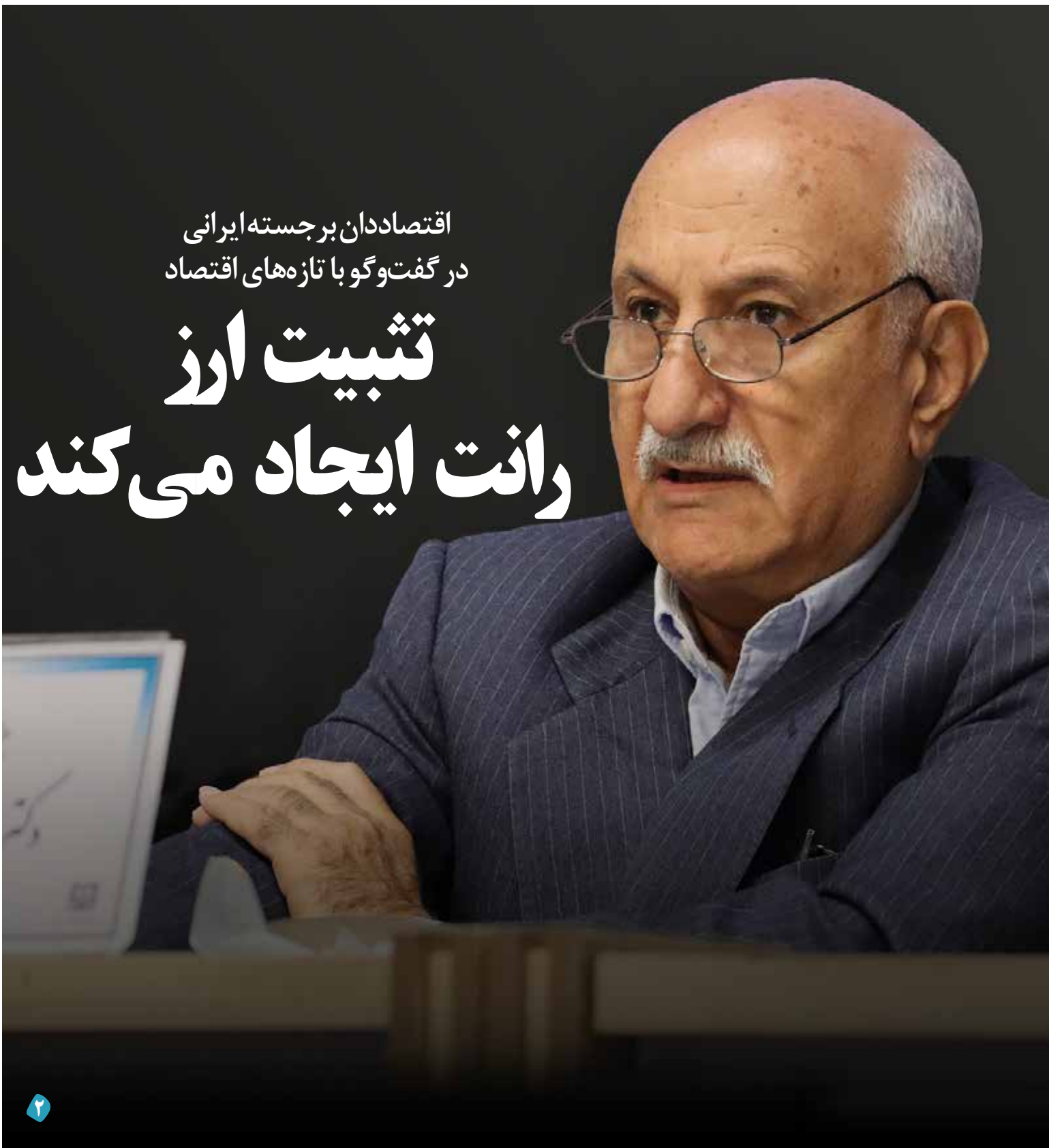
حرکت به سمت یکپارچه‌سازی نرخ ارز را باید در چارچوب تلاش برای کاهش شکاف میان نرخ‌های رسمی، غیررسمی و محدود کردن زمینه‌های ایجاد رانت ارزی بررسی کرد. منتقدان این سیاست معتقدند اگر عرضه ارز متناسب با نیاز اقتصاد نباشد، حذف نرخ‌های ترجیحی فشار قیمتی ایجاد می‌کند و آثار آن از طریق هزینه واردات، قیمت کالاها و انتظارات تورمی به اقتصاد منتقل می‌شود. در مقابل، ادامه نظام چندنرخ‌خیز نیز تخصیص منابع را پیچیده و شفافیت سیاست ارزی را کاهش می‌دهد. بنابراین، مسئله اصلی فقط انتخاب میان تثبیت و شناورسازی نیست، بلکه کیفیت مدیریت بازار و نحوه تأمین ارز اهمیت دارد.

بازگشت به سیاست‌های تشبیتی گذشته، بدون اصلاح مشکلاتی که به شکل‌گیری شکاف نرخ‌ها و رانت منجر شده، نه‌تنها همان نتایج گذشته را تکرار خواهد کرد، بلکه چالش‌های جدیدی ایجاد می‌کند. سیاست مؤثرتر نیازمند ترکیبی از انضباط پولی، شفافیت و حمایت هدفمند از اقشار آسیب‌پذیر است.

ادامه در صفحه ۲

اقتصاددان برجسته ایرانی
در گفت‌وگو با تازه‌های اقتصاد

تثبیت ارز رانت ایجاد می‌کند



دفاع از مداخله بانک مرکزی در بازار ارز



در شرایط فعلی، استفاده از آن برای کنترل هیجانات بازار تصمیم درستی بوده است. این مدیر ارشد بانکی تأکید کرد: تصمیماتی که در چنین شرایطی گرفته می‌شود باید متناسب با فشارهایی باشد که می‌تواند ارزش پول ملی را تحت تأثیر قرار دهد. وی گفت: بانک مرکزی در مقطعی ارز را از بازار جمع‌آوری می‌کند. این امر یکی از ابزارهای سیاستی است که در اختیار بانک مرکزی قرار دارد و اکنون از همین ظرفیت استفاده می‌کند.

فرخ‌نژاد ادامه داد: بانک مرکزی ابزارهای قانونی در اختیار دارد که یکی از آنها مداخله به‌موقع در بازار است. فروش ارز به شیوه‌ای که اکنون انجام می‌شود نیز در همین چارچوب قرار دارد می‌تواند در کنترل هیجانات بازار و اطمینان‌دادن به جامعه درباره وجود ظرفیت تأمین نیازهای ارزی مؤثر باشد. مدیرعامل بانک ملت با اشاره به تقاضای مراجعه‌کنندگان به بانک‌ها افزود: بخشی از افرادی که اکنون به بانک‌ها مراجعه می‌کنند، نیازهای هزار یا ۲ هزار دلاری دارند و عرضه ارز می‌تواند بخشی از این نیازها را پوشش دهد. اگر مداخله‌ای صورت نگیرد، ممکن است کنترل بازار دشوارتر شود و برنامه دولت و بانک مرکزی برای کنترل تورم و نرخ ارز محقق نشود.

وی درباره انتقادهای مطرح‌شده نسبت به این سیاست نیز گفت: دیدگاه‌ها متفاوت است و باید نظرات کارشناسی شنیده شود. اگر نقدی بر مبنای منطق کارشناسی وجود داشته باشد، حتماً شنیده می‌شود، اما این ابزار در اختیار بانک مرکزی است و

فرشید فرخ‌نژاد، مدیرعامل بانک ملت، عرضه ۲ میلیارد دلار ارز از سوی بانک مرکزی را ابزاری برای کنترل هیجانات بازار، پاسخ به بخشی از تقاضا و تقویت اطمینان جامعه دانست. مدیرعامل بانک ملت، در گفت‌وگوی اختصاصی با تازه‌های اقتصاد در خصوص عرضه ۲ میلیارد دلار ارز از سوی بانک مرکزی اظهار کرد: محدودیت‌هایی که طی سال‌های طولانی برای کشور ایجاد شده، در شرایط جنگ و محاصره تشدید شده است. وقتی ورودی‌های ارزی و فروش نفت کشور محدود شود، طبیعتاً محدودیت‌هایی ایجاد می‌شود و کاهش ارزش پول ملی نیز رخ می‌دهد.

وی با اشاره به اقدام بانک مرکزی برای عرضه ارز از طریق بانک‌ها گفت: یکی از اقداماتی که بانک مرکزی در شرایط فعلی انجام می‌دهد، کنترل انتظارات روانی جامعه است. البته من این موضوع را از منظر کارشناسی مطرح می‌کنم؛ بانک ملت یکی از بانک‌های مجری این طرح است و سیاست‌گذار، بانک مرکزی است.

۴

ضریب جینی پایین آمد
کاهش نابرابری
در سایه فشار اقتصادی



۳

زنگ خطر برای یورو
فرانسه زیر بار بدهی خفه می‌شود



۳

ترکیه دروازه جدید
کانادا از اقتصاد آمریکا
فاصله می‌گیرد



کنترل نرخ ارز در دستور کار دولت

وزیر امور اقتصادی و دارایی با تشریح برنامه هفت‌محوری دولت برای عبور از شرایط اقتصادی ناشی از جنگ، گفت: بازگرداندن ثبات اقتصادی و کنترل تورم و نرخ ارز از محورهای اصلی برنامه دولت است و به‌زودی آثار مثبت این اقدامات نمودار خواهد شد. سیدعلی مدنی‌زاده در جریان نشست در محل وزارت امور اقتصادی اظهار کرد: پس از حملات نظامی دشمن، کشور وارد مرحله‌ای از جنگ اقتصادی شده که آثار آن در زندگی مردم قابل لمس است. وی یکی از ابعاد این جنگ اقتصادی را ایجاد تنگنا در تأمین منابع بودجه از طریق فشارهای سیاسی و اقتصادی دانست و افزود: دولت برای این موضوع منابع جایگزین را از طرق مختلف تأمین می‌کند و امیدواریم با تدابیر اتخاذشده این مشکل برطرف شود. وزیر اقتصاد با بیان اینکه دولت برای عبور از این شرایط یک برنامه هفت‌محوری تدوین کرده است، گفت: یکی از محورهای اصلی این برنامه، بازگرداندن ثبات اقتصادی و کنترل تورم و نرخ ارز است مدنی‌زاده حمایت از تولید و اشتغال را محور دیگر برنامه دولت عنوان کرد و گفت: در این چارچوب، حمایت از تولید و شرکت‌های دانش‌بنیان، حمایت از سرمایه‌گذاری، تسهیل تجارت، مدیریت ناترازی انرژی و حمایت از معیشت نیز در دستور کار قرار دارد.

ثبات بازار ارز با کاهش التهاب سیاسی

ادامه یادداشت یک کاهش نااطمینانی در بازار ارز یک مسئله صرفاً اقتصادی نیست و لاجرم به نحوه مدیریت سیاسی و ارتباطی دولت با جامعه ارتباط دارد. در شرایط بحران، فعالان اقتصادی بیش از گذشته به اظهارنظرها و تصمیمات سیاست خارجی، نحوه مدیریت منابع ارزی و چشم‌انداز روابط اقتصادی کشور توجه می‌کنند. بنابراین، اطلاع‌رسانی منسجم، دقیق و قابل پیش‌بینی می‌تواند بخشی از نااطمینانی را کاهش دهد. مهم آن است که میان وعده‌های سیاست‌گذار و اقدامات واقعی فاصله زیادی وجود نداشته باشد؛ زیرا در بازارهای حساس، تغییر مکرر مواضع یا انتشار پیام‌های متناقض، خود به افزایش تقاضا منجر می‌شود. از منظر سیاسی نیز، گفت‌وگوی مستمر با فعالان اقتصادی، ارائه تصویر روشن از محدودیت‌ها و ظرفیت‌های ارزی و توضیح منطق تصمیمات اقتصادی، به شکل‌گیری انتظارات بایثبات‌تر کمک می‌کند. ضمن آنکه هماهنگی میان نهادهای اقتصادی و سیاسی اهمیت زیادی دارد.

در دوره‌های افزایش نااطمینانی، بازار ارز معمولاً تنها به شاخص‌های اقتصادی جاری واکنش نشان نمی‌دهد و انتظارات آینده را نیز در قیمت‌ها منعکس می‌کند. به همین دلیل، یک تحول سیاسی، پیش از آنکه اثر مستقیم خود را بر صادرات، درآمدهای ارزی یا تجارت خارجی نشان دهد، بر رفتار معامله‌گران و تقاضای ارز اثر می‌گذارد.

اگر خانوارها و بنگاه‌ها احتمال کاهش ارزش پول ملی یا دشوارتر شدن دسترسی به ارز را بالا ارزیابی کنند، بخشی از دارایی خود را به ارز یا سایر دارایی‌ها تبدیل می‌کنند و همین رفتار، فشار بیشتری بر بازار ایجاد می‌کند.

مدیریت این انتظارات نیازمند اقدامات هم‌زمان است. سیاست‌گذار باید درباره منابع و مصارف ارزی موضع شفاف داشته باشد، از تصمیمات ناگهانی پرهیز کند، هماهنگی میان سیاست پولی و ارزی را افزایش دهد و پیام‌های سیاست خارجی و اقتصادی را تا حد امکان منسجم ارائه کند. اعلام مواضع به‌خودی‌خود اعتماد ایجاد نمی‌کند؛ اعتماد‌آفرینی به مشاهده سیاست‌های قابل پیش‌بینی و نتایج ملموس در اقتصاد وابسته است.

اقتصاددان برجسته ایرانی در گفت‌وگو با تازه‌های اقتصاد

ثبیت ارز رانت ایجاد می‌کند



نرخ ارز انجام شود؛ سیاستی که در سال‌های گذشته نیز مورد استفاده قرار گرفته است. با توجه به تجربه گذشته، آیا سیاست تثبیت نرخ ارز در شرایط فعلی می‌تواند راهکار مناسبی باشد؟ سیاست تثبیت نرخ ارز، سیاستی رانتی است. به نظر من، بخشی از این دیدگاه‌ها در عمل به معنای ادامه همان سازوکار رانتی گذشته است و حفظ منافع همان ذی نفعان است.. مسئله مهم‌تر این است که دولت‌های مختلف در ایران تاکنون به شکل مطلوب یک بازار واقعی ارز ایجاد نکرده‌اند. در برخی کشورها، از جمله افغانستان و عراق، بازار ارز وجود دارد و معاملات ارزی در یک بازار مشخص انجام می‌شود، اما متأسفانه ما هنوز حاضر نشده‌ایم یک بازار واقعی ارز ایجاد کنیم.

باید بازاری وجود داشته باشد که هر فردی به ارز نیاز دارد، بتواند ارز مورد نیاز موجه خود را از همان بازار خریداری کند. بانک مرکزی نیز اگر قصد فروش ارز دارد، از طریق همان بازار اقدام کند و هر نهاد یا دستگاه دیگری که نیاز به خرید ارز دارد نیز از طریق همان بازار نیاز خود را تأمین کند.

به نظر من، بخش مهمی از گرفتاری‌های سیاسی فعلی پیرامون ارز و فشار برای حفظ سهمیه تحت بهانه کمک به نیازمندان ناشی از همین نبود یک بازار واقعی و شفاف است. اگر قرار است بانک مرکزی در بازار ارز مداخله کند، این مداخله باید از طریق یک بازار مشخص انجام شود؛ یعنی خریدار و فروشنده ارز در یک بازار واقعی با یکدیگر مواجه شوند. متأسفانه در شرایط فعلی، قیمت ارز در ایران عملاً تحت تأثیر بازارهایی مانند هرات و اربیل قرار دارد و در گذشته نیز بازار دبی نقش مهمی در معاملات ارز داشت. راه‌حل ملی و بلند مدت این مسئله، ایجاد یک بازار واقعی ارز است. اگر ارز در این بازار کمیاب باشد، طبیعتاً گران خواهد شد و اگر فراوان باشد، قیمت آن کاهش پیدا می‌کند؛ همان‌طور که درباره هر کالای دیگری نیز چنین است. اما نایبستی فشار شرایط موجود بر اقتصاد کشور نیز مورد چشم‌پوشی قرار گیرد.

نقش بانک مرکزی در چنین ساختاری باید چگونه تعریف شود؟ آیا می‌تواند به‌تنهایی نرخ ارز را کنترل کند؟ بانک مرکزی نمی‌تواند دلار چاپ کند. اقتصاد کل کشور نیز در اختیار بانک مرکزی نیست و سیاست‌های کشور از جمله نظامی و دیپلماسی هم صرفاً در اختیار بانک مرکزی قرار ندارد. بنابراین نمی‌توان انتظار داشت بانک مرکزی به‌تنهایی همه مشکلات بازار ارز و اقتصاد کشور را حل کند. نقش بانک مرکزی باید در چارچوب یک سازوکار شفاف بازار ارز تعریف شود و سیاست ارزی نیز باید متناسب با مجموعه شرایط و محدودیت‌های اقتصادی کشور طراحی و اجرا شود. توقع از بانک مرکزی نیز لازم است منطقی و در حد اختیارات و امکانات این بانک باشد.

طبیعی است که این گروه‌ها در برابر اصلاح چنین سیاستی مقاومت کنند. ممکن است برخی افراد نیز تحت تأثیر این منافع، مطالبی را در نقد سیاست‌های جدید مطرح کنند. به نظر من، بانک مرکزی باید سیاستی را که با توجه به شرایط کشور از نظر اقتصادی علمی و کارشناسی ضروری و قابل‌دفاع است، دنبال کند و نباید تحت تأثیر اینگونه فضاسازی‌ها قرار گیرد.

سال‌هاست که در کشور ما سیاست اقتصادی در مواردی قربانی جنجال شده است. از ابتدای انقلاب تاکنون نمونه‌های مختلفی از این مسئله وجود داشته است. برای مثال، زمانی که موضوع پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی مطرح بود، گروه‌هایی با این مسئله مخالفت کردند و حتی کارگران را به اعتراض علیه این اقدام ترغیب می‌کردند؛ در حالی که در کشوری مانند هند، کارگران نیز از عضویت در سازمان تجارت جهانی حمایت می‌کردند، زیرا منافع آن را برای اقتصاد و اشتغال خود درک کرده بودند.

بنابراین، اگر دولت و بانک مرکزی سیاستی را از نظر اقتصادی و علمی قابل‌توجیه می‌دانند، باید آن را دنبال کنند و اجازه ندهند جنجال‌ها مانع اجرای سیاست‌های اقتصادی شود.

در کنار این مباحث، نرخ ارز نیز در ماه‌های اخیر افزایش قابل‌توجهی داشته است. از نظر شما عوامل اصلی این افزایش چیست و شرایط جنگی و تحولات سیاسی چه نقشی در آن دارند؟ بله، نکته دیگر این است که نرخ ارز به شکل بسیار ناهنجاری افزایش پیدا کرده است. این مسئله را باید در سایه شرایط جنگی کشور بررسی کرد و نمی‌توان نقش جنگ را در این افزایش نادیده گرفت. در گذشته نیز افزایش مستمر نقدینگی به‌طور معمول یکی از عوامل مؤثر بر افزایش نرخ ارز بوده است، اما در شرایط فعلی، رشد نقدینگی نیز تحت تأثیر شرایط جنگی قرار گرفته و فشارهای بیشتری ایجاد شده است. محاصره اقتصادی و جنگ طبیعتاً آثار خود را بر اقتصاد کشور می‌گذارند. در چنین شرایطی نمی‌توان انتظار معجزه داشت. اگر جنگ و فشارهای اقتصادی ادامه پیدا کند، طبیعی است که شرایط نیز می‌تواند دشوارتر شود و با تشدید این عوامل، فشار بر نرخ ارز و سایر متغیرهای اقتصادی افزایش یابد.

این مسئله را باید از دو جنبه مورد بررسی قرار داد. از یک طرف، به انتقادهای و جنجال‌های مطرح‌شده باید پاسخ منطقی و معقول داد، اما از طرف دیگر، نباید اجازه داد سیاست درست اقتصادی تحت تأثیر این جنجال‌ها قرار گیرد. از سوی دیگر، درباره افزایش نرخ ارز نیز باید واقعیت شرایط جنگی و فشارهای اقتصادی ناشی از آن را در نظر گرفت.

برخی منتقدان معتقدند تأمین و عرضه ارز باید همچنان از طریق سیاست تثبیت

نوسان قیمت دلار بازار ارز ایران بار دیگر به یکی از مهم‌ترین کانون‌های بحث اقتصادی تبدیل شده است؛ بازاری که تحولات سیاسی، فشارهای خارجی، شرایط جنگی، رشد نقدینگی و محدودیت منابع ارزی همزمان بر آن اثر می‌گذارند. در چنین شرایطی، افزایش نرخ ارز مستقیماً با تورم، قدرت خرید خانوارها، هزینه تولید، تجارت خارجی و انتظارات اقتصادی گره خورده است. در این میان، سیاست ارزی بانک مرکزی و به‌ویژه حرکت به سمت کاهش شکاف میان نرخ‌های مختلف ارز، با دیدگاه‌های متفاوتی در میان اقتصاددانان و فعالان اقتصادی روبه‌رو شده است. موافقان این رویکرد، چندنرخی بودن ارز را یکی از زمینه‌های ایجاد رانت و ناکارآمدی می‌دانند و منتقدان، نسبت به آثار تورمی و تبعات آن بر معیشت مردم هشدار می‌دهند. اما یک پرسش مهم همچنان پابرجاست: اگر سیاست فعلی نیازمند اصلاح است، جایگزین آن چیست و چگونه می‌توان آن را در شرایط واقعی اقتصاد ایران اجرا کرد؟

در اقتصاد، نقد سیاست‌گذار زمانی می‌تواند به اصلاح سیاست‌گذاری منجر شود که علاوه بر بیان اشکالات، مسیر جایگزین، نحوه تأمین منابع، سازوکار کنترل تبعات تورمی و شیوه حمایت از اقشار آسیب‌پذیر را نیز مشخص کند. به‌خصوص در شرایطی که اقتصاد ایران با محدودیت منابع، فشارهای خارجی، ناترازی‌های مالی و بانکی و آثار جنگ اقتصادی مواجه است، هیچ سیاست ارزی را نمی‌توان جدا از این محدودیت‌ها بررسی کرد. از سوی دیگر، افزایش نرخ ارز نیز واقعیتی است که نمی‌توان صرفاً با تصمیم اداری یا تثبیت دستوری قیمت آن را نادیده گرفت. اینجاست که بحث درباره ساختار بازار ارز، نحوه مداخله بانک مرکزی، نقش بازارهای غیررسمی و چگونگی شکل‌گیری قیمت ارز اهمیت پیدا می‌کند.

سیدمحمد طبیبیان، اقتصاددان برجسته ایرانی، بر ضرورت پرهیز سیاست‌گذار از تأثیرپذیری از جنجال‌های سیاسی و رسانه‌ای تأکید دارد و معتقد است افزایش نرخ ارز را باید در بستر مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی و شرایط جنگی کشور و اصول علمی تحلیل کرد. طبیبیان همچنین سیاست تثبیت نرخ ارز را «سیاستی رانتی» توصیف می‌کند و بر ضرورت ایجاد یک بازار واقعی و شفاف ارز تأکید دارد؛ بازاری که به گفته او، قیمت در آن بر اساس عرضه و تقاضا شکل بگیرد و مداخله بانک مرکزی در بازار نیز از طریق همین بازار انجام شود. او تصریح کرد: بانک مرکزی به‌تنهایی قادر به حل تمام مشکلات بازار ارز نیست و سیاست ارزی باید در چارچوب مجموعه سیاست‌های اقتصادی کشور و محدودیت‌های موجود بررسی شود. این گفتگو را بخوانید:

با توجه به شرایط فعلی اقتصاد ایران، نوسانات نرخ ارز تا چه اندازه تحت تأثیر تحولات سیاسی قرار دارد؟ به‌ویژه در شرایطی که همزمان با تحولات سیاسی و جنگی، انتقادهایی نیز نسبت به سیاست‌های ارزی بانک مرکزی مطرح می‌شود. برای مثال، در شرایطی که بانک مرکزی به سمت یکپارچه‌سازی نرخ ارز حرکت کرده و ارز ترجیحی را که یکی از زمینه‌های ایجاد رانت و فساد تلقی می‌شد، حذف کرده است، برخی منتقدان نسبت به عرضه ارز در بازار و آثار آن بر نقدینگی انتقاد دارند. ارزیابی شما از این دیدگاه‌ها چیست؟ باید توجه داشت گروه‌هایی وجود دارند که از ارز ترجیحی منتفع بوده‌اند و منافع قابل‌توجهی از این وضعیت به دست آورده‌اند.

فرانسه زیر بار بدهی خفه می‌شود



■ یورو زیر سایه فرانسه

یورو در روزهای اخیر به پایین‌ترین سطح خود در حدود ۱۷ ماه گذشته در برابر دلار نزدیک شده است. نگرانی سرمایه‌گذاران تنها به بودجه فرانسه محدود نیست؛ بلکه این پرسش مطرح است که آیا مشکلات مالی و سیاسی یکی از بزرگ‌ترین اقتصادهای منطقه یورو می‌تواند به بحرانی گسترده‌تر در اروپا تبدیل شود.

فرانسه دیده می‌شود. هرچه سرمایه‌گذاران ریسک بیشتری برای بدهی دولت فرانسه در نظر بگیرند، بازده مورد انتظار آنها بالاتر می‌رود و دولت برای استقراض جدید باید بهره بیشتری بپردازد. بازده اوراق ۱۰ساله فرانسه اخیراً به بالاترین سطح در بیش از دو دهه گذشته رسید و فاصله بازده اوراق فرانسه و آلمان نیز افزایش یافت. این فاصله برای بازار اهمیت زیادی دارد، زیرا اوراق آلمان یکی از معیارهای اصلی سنجش ریسک در منطقه یورو محسوب می‌شود. خطر اصلی شکل‌گیری یک چرخه معیوب است: بهره بالاتر، هزینه بدهی را افزایش می‌دهد؛ هزینه بیشتر بدهی، کسری بودجه را تشدید می‌کند و کسری بالاتر می‌تواند نگرانی بازار و در نتیجه هزینه استقراض را دوباره افزایش دهد.

چرا مشکل فرانسه فقط مشکل فرانسه نیست؟ فرانسه یکی از ستون‌های اصلی اقتصاد منطقه یورو و یکی از بزرگ‌ترین ناشران بدهی دولتی در اروپاست. به همین دلیل، افزایش شدید بازده اوراق این کشور می‌تواند هزینه تأمین مالی سایر دولت‌های اروپایی را نیز تحت تأثیر قرار دهد.

بانک‌ها، صندوق‌های سرمایه‌گذاری و سایر مؤسسات مالی اروپایی نیز در معرض بازار بدهی فرانسه قرار دارند. بنابراین افزایش ریسک اوراق فرانسوی می‌تواند به سایر بخش‌های بازار مالی اروپا سرایت کند. از سوی دیگر، فرانسه یکی از دو اقتصاد اصلی منطقه یورو در کنار آلمان است. افزایش نگرانی درباره وضعیت مالی

فرانسه، دومین اقتصاد بزرگ منطقه یورو، در حالی با کسری بودجه سنگین، بدهی فزاینده و رشد اقتصادی کمرمق دست‌وپنجه نرم می‌کند که هزینه استقراض دولت نیز افزایش یافته است؛ شرایطی که نگرانی‌ها درباره آینده مالی این کشور را به بازارهای جهانی کشانده و یورو را تحت فشار قرار داده است. در همین حال، امانوئل مولن، رئیس بانک مرکزی فرانسه، هشدار داده است که ادامه افزایش هزینه‌های بهره می‌تواند فرانسه را زیر فشار بدهی «خفه» کند؛ هشدار که نشان می‌دهد مسئله دیگر صرفاً یک مشکل داخلی نیست.

فرانسه؛ اقتصاد بزرگی با صورت حساب سنگین مشکل فرانسه حاصل ترکیب چند فشار هم‌زمان است: کسری بودجه بالا، بدهی عمومی سنگین، رشد اقتصادی ضعیف و افزایش هزینه تأمین مالی دولت. برآورد کمیسیون اروپا نشان می‌دهد کسری بودجه فرانسه در سال ۲۰۲۶ حدود ۵.۱ درصد تولید ناخالص داخلی خواهد بود و نسبت بدهی عمومی از حدود ۱۱۵.۶ درصد تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۲۵ به نزدیک ۱۱۸ درصد در سال جاری می‌رسد. رشد اقتصادی نیز تنها حدود ۰.۸ درصد پیش‌بینی شده است.

به این ترتیب، پاریس در شرایطی باید بدهی خود را مدیریت کند که اقتصاد با سرعت کافی برای ایجاد درآمدهای جدید رشد نمی‌کند. از سوی دیگر، نرخ بهره بالاتر به معنای آن است که دولت باید بخش بزرگ‌تری از درآمدهای خود را صرف پرداخت بهره بدهی کند؛ منابعی که می‌توانست صرف سرمایه‌گذاری و حمایت از اقتصاد شود.

هشدار رئیس بانک مرکزی فرانسه

در چنین شرایطی، سخنان امانوئل مولن اهمیت ویژه‌ای دارد. رئیس بانک مرکزی فرانسه هشدار داده است که اگر هزینه‌های استقراض همچنان افزایش یابد و دولت نتواند مسیر کسری بودجه را اصلاح کند، فرانسه ممکن است به تدریج زیر فشار نرخ بهره «خفه» شود. مولن در عین حال تأکید کرده شرایط فرانسه با بحران بدهی یونان یکسان نیست؛ اما پیام او روشن است: پاریس نمی‌تواند برای همیشه با استقراض بیشتر، کسری بودجه خود را تأمین کند. او همچنین گفته فرانسه نباید انتظار داشته باشد بانک مرکزی اروپا مشکلات مالی دولت را حل کند. از نگاه مولن، مسئولیت اصلی بر دوش دولت و پارلمان فرانسه است تا با کاهش کسری و ارائه یک برنامه معتبر مالی، اعتماد سرمایه‌گذاران را حفظ کنند.

بازار اوراق؛ آینه نگرانی سرمایه‌گذاران نگرانی بازار بیش از هر جا در اوراق قرضه

چهار سال پیش، آمریکا درباره «لوگینک»، سامانه دیجیتال لجستیکی چین، هشدار داد و آن را ابزاری بالقوه برای افزایش نفوذ پکن بر تجارت جهانی دانست. این سامانه قرار بود اطلاعات بنادر، گمرک‌ها و شرکت‌های حمل‌ونقل را یکپارچه کند و تصویری گسترده از جریان کالا در جهان در اختیار چین بگذارد.

چین طی دو دهه تلاش کرد لوگینک را به یک شبکه جهانی تبدیل کند و با ژاپن، کره‌جنوبی و برخی بنادر اروپایی همکاری کرد. اما از سال ۲۰۲۲ فشار آمریکا افزایش یافت؛ واشنگتن نگران بود داده‌های تجاری و حتی اطلاعات محموله‌های حساس در اختیار چین قرار گیرد.

پس از آن، همکاری لوگینک با ژاپن و کره‌جنوبی متوقف شد، تلاش برای ورود به بنادر اروپا شکست خورد و عضویت آن در یک انجمن بین‌المللی بندری در سال ۲۰۲۴ پایان یافت.

با این حال، پکن همچنان بر توسعه استفاده داخلی از این پروژه تأکید دارد؛ رویکردی که نشان می‌دهد چین فعلاً مسیر تقویت زیرساخت‌های داخلی را دنبال می‌کند و از هدف خود برای افزایش نقش در داده‌های تجارت جهانی فاصله نگرفته است.

یورو زیر فشار بدهی اروپا

یورو در معاملات امروز نزدیک پایین‌ترین سطح ۱۷ ماه اخیر ماند و به ۱.۱۲۱۹ دلار رسید؛ ارزی که فقط در هفته گذشته حدود ۱.۲ درصد در برابر دلار افت کرده است. نگرانی درباره بدهی سنگین فرانسه، بن‌بست سیاسی و افزایش هزینه استقراض در اروپا، مهم‌ترین عوامل فشار بر ارز مشترک هستند.

در مقابل، شاخص دلار به ۱۰۲.۱۷ واحد رسید و پس از ثبت بالاترین سطح ۱۸ ماهه همچنان قدرتمند باقی ماند. دلار در برابر ین نیز ۰.۱۸ درصد رشد کرد و به ۱۵۸.۱۶ ین رسید.

کارشناسان هشدار می‌دهند در صورت تداوم فشارهای مالی اروپا، یورو ممکن است به زیر ۱.۱۰ دلار سقوط کند. کاهش قیمت نفت و کنترل کسری بودجه اروپا برای بازگشت یورو ضروری است؛ اما اصلاح بودجه در کوتاه‌مدت بعید به نظر می‌رسد.

هرمز همچنان ریسک اصلی بازار

قیمت نفت در معاملات سه‌شنبه اندکی افزایش یافت؛ برنت با ۰.۳ درصد رشد به ۱۰۰.۵۹ دلار و نفت تگزاس به ۸۹.۷۳ دلار در هر بشکه رسید. با وجود تداوم صادرات، تنش‌های خاورمیانه و احتمال اختلال در تنگه هرمز همچنان مهم‌ترین ریسک بازار انرژی است.

صادرات نفت کشورهای خلیج فارس در سپتامبر به بیش از ۸۱ درصد سطح قبل از جنگ رسید، اما افزایش هزینه بیمه و حمل‌ونقل، نرخ انتقال نفت به آسیا را به رکوردهای جدید رسانده است. کشورهای گروه هفت نیز برای مهار نگرانی‌های عرضه، با آزادسازی حدود ۱۰۰ میلیون بشکه نفت و گازوئیل از ذخایر اضطراری موافقت کرده‌اند.

در بازار طلا، قیمت هر اونس با ۰.۳ درصد کاهش به ۴۱۲۷.۸۷ دلار رسید. افزایش بازده اوراق خزانه آمریکا و فشارهای تورمی، جذابیت طلا را کاهش داده است. بازار اکنون با احتمال حدود ۸۷ درصدی افزایش نرخ بهره آمریکا در دسامبر روبه‌روست؛ عاملی که می‌تواند فشار بیشتری بر بازارهای جهانی وارد کند.

پاریس می‌تواند فشار مضاعفی بر پول واحد اروپا وارد کند؛ موضوعی که در افت اخیر یورو در برابر دلار نیز بازتاب یافته است.

دولت میان اقتصاد و سیاست گرفتار است

پاریس برای کنترل کسری بودجه ناچار به اجرای سیاست‌های سختگیرانه است؛ اما همین سیاست‌ها هزینه سیاسی بالایی دارند. دولت برای کاهش کسری، برنامه‌هایی برای کاهش هزینه‌ها و افزایش درآمدهای مالیاتی مطرح کرده، اما مخالفت با کاهش هزینه‌های اجتماعی و محدود کردن مخارج عمومی، اجرای این برنامه‌ها را دشوار کرده است.

دولت فرانسه در واقع با یک دوگانه دشوار روبه‌روست: از یک سو باید برای آرام کردن بازارها هزینه‌های خود را کاهش دهد و از سوی دیگر، کاهش شدید مخارج می‌تواند به رشد اقتصادی ضعیف فعلی فشار بیشتری وارد کند. مقایسه شرایط فعلی فرانسه با بحران بدهی یونان اغراق‌آمیز خواهد بود. اقتصاد فرانسه بسیار بزرگ‌تر و بازار بدهی آن عمیق‌تر و نقدشونده‌تر است. اما هشدارهای اخیر یک پیام روشن برای بازار دارد: اندازه اقتصاد فرانسه مصونیت دائمی در برابر بحران بدهی ایجاد نمی‌کند.

اکنون نگاه بازارها به پاریس دوخته شده است؛ اینکه دولت فرانسه تا چه اندازه بتواند بر بن‌بست سیاسی غلبه کند و برنامه‌ای معتبر برای کاهش کسری ارائه دهد، می‌تواند نه‌فقط سرنوشت مالی فرانسه، بلکه مسیر یورو و ثبات بازارهای مالی اروپا را نیز تحت تأثیر قرار دهد.

کانادا از اقتصاد آمریکا فاصله می‌گیرد؛ ترکیه دروازه جدید



دفاعی و مواد معدنی حیاتی اعلام کنند.

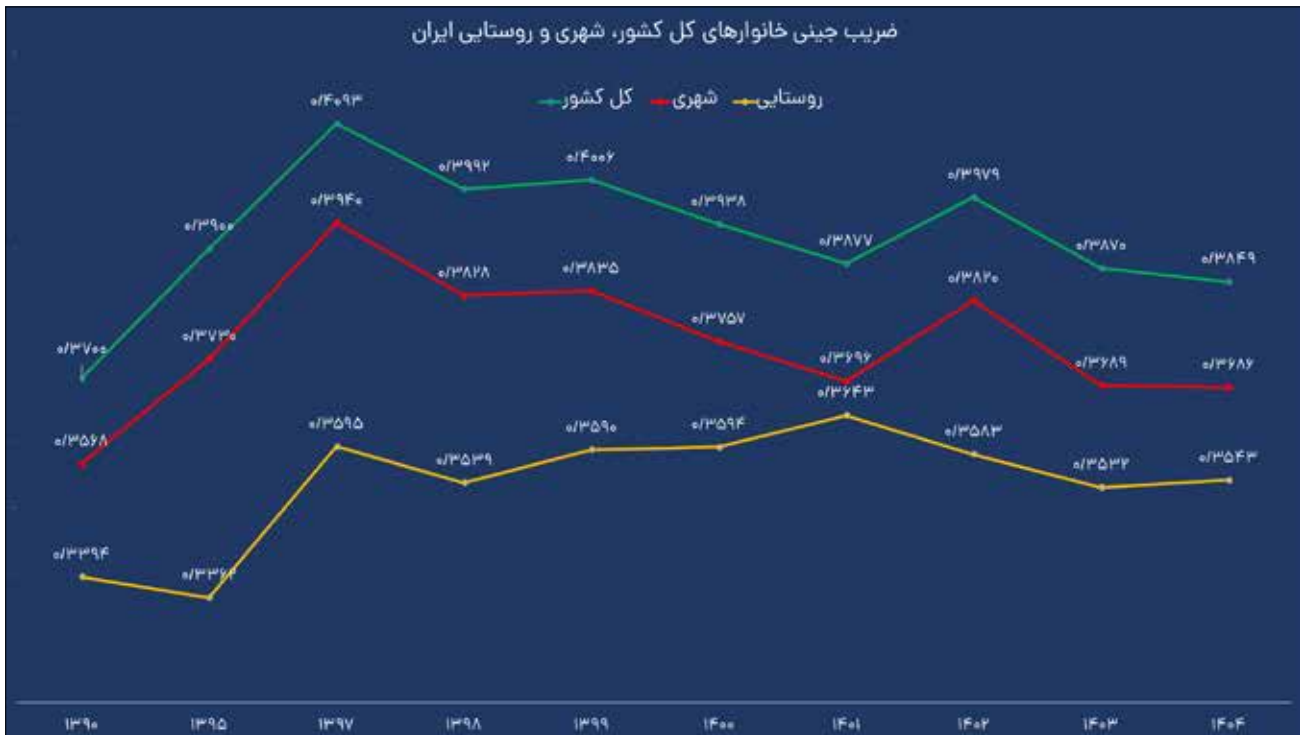
نکته مهم این است که سیاست تجاری آمریکا عملاً برخی شرکای نزدیک واشنگتن را به سمت یافتن بازارهای جایگزین سوق داده است. کانادا که سال‌ها بخش بزرگی از تجارت خود را به اقتصاد آمریکا گره زده بود، اکنون به دنبال کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد این کشور در برابر تصمیم‌های اقتصادی آمریکا است؛ تغییری که می‌تواند در بلندمدت جایگاه اقتصادی آمریکا در میان متحدانش را با چالش روبه‌رو کند.

فشارهای تجاری آمریکا، کانادا را به سمت بازنگری در روابط اقتصادی خود با واشنگتن سوق داده است. مارک کارنی، نخست‌وزیر کانادا، قرار است اواخر ماه جاری برای نخستین‌بار در دهه‌های اخیر سفری اختصاصی به ترکیه داشته باشد و با رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور این کشور، درباره گسترش روابط تجاری، انرژی و دفاعی گفت‌وگو کند.

این سفر در شرایطی انجام می‌شود که مذاکرات تجاری کانادا و آمریکا در ماه اوت به بن‌بست رسیده و روابط اقتصادی دو کشور تحت تأثیر تعرفه‌های آمریکا و تهدیدهای تجاری واشنگتن قرار گرفته است. آمریکا بزرگ‌ترین شریک تجاری کانادا محسوب می‌شود، اما دولت کارنی اکنون می‌خواهد طی ۱۰ سال آینده حجم تجارت کانادا با کشورهای خارج از آمریکا را دو برابر کند.

ترکیه یکی از گزینه‌های جدید اتاوا برای تنوع‌بخشی به شرکای اقتصادی است. مذاکرات تجارت آزاد دو کشور که در حاشیه نشست ناتو در ماه ژوئیه آغاز شد، قرار است پیش از دیدار کارنی و اردوغان سرعت بگیرد. کانادا هم‌زمان در حال نزدیک‌شدن بیشتر به اتحادیه اروپا نیز هست. دو طرف قرار است در نشست ۲۹ اکتبر در مونترال، برنامه‌ای برای توسعه همکاری در حوزه‌های تجارت دیجیتال، انرژی، فناوری، صنایع

ضریب جینی پایین آمد؛ سفره خانوار کوچک‌تر شد کاهش نابرابری در سایه فشار اقتصادی



ضریب جینی خانوارهای ایرانی در سال ۱۴۰۴ به ۰.۳۸۴۹ رسید؛ عددی که از کاهش نابرابری درآمدی در مقایسه با سال ۱۴۰۲ و همچنین بهبود شاخص نسبت به سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۳۹۹ حکایت دارد. با این حال، بررسی روند این شاخص نشان می‌دهد مسیر کاهش نابرابری در ایران همچنان پرنوسان است و فاصله میان خانوارهای پردرآمد و کم‌درآمد، به‌ویژه در مناطق شهری، همچنان قابل توجه است.

ضریب جینی یکی از شناخته‌شده‌ترین شاخص‌های اندازه‌گیری نابرابری درآمدی است؛ شاخصی که هرچه به صفر نزدیک‌تر باشد، بیانگر توزیع برابرتر درآمد و هرچه به یک نزدیک‌تر شود، نشان‌دهنده نابرابری بیشتر است. بر اساس آمار ارائه‌شده از وضعیت ضریب جینی خانوارهای کشور، مقدار این شاخص در سال ۱۴۰۴ به ۰.۳۸۴۹ رسیده است. این رقم در مقایسه با ۰.۳۹۷۹ در سال ۱۴۰۲ کاهش محسوسی را نشان می‌دهد و بیانگر بهبود توزیع درآمد در این دوره است.

نابرابری در مسیر نزولی

بررسی روند سال‌های اخیر نشان می‌دهد ضریب جینی پس از افزایش در سال ۱۴۰۲، در دو سال متوالی کاهش یافته است. این شاخص از ۰.۳۹۷۹ در سال ۱۴۰۲ به ۰.۳۸۷۰ در سال ۱۴۰۳ و سپس به ۰.۳۸۴۹ در سال ۱۴۰۴ رسیده است.

به این ترتیب، ضریب جینی کشور طی دو سال حدود ۰.۰۱۳ واحد کاهش یافته است؛ تغییری که از منظر آماری به معنای حرکت شاخص به سمت توزیع متعادل‌تر درآمد است.

با این حال، تصویر بلندمدت نشان می‌دهد وضعیت امروز با یک روند خطی و مستمر همراه نبوده است. ضریب جینی در سال ۱۳۸۰ برابر با ۰.۳۳۰۴ بود و در سال ۱۳۸۵ به ۰.۴۳۵۶ رسید. در سال ۱۳۹۰ این شاخص به ۰.۳۷۰۰ کاهش یافت؛ اما پس از آن بار دیگر روند افزایشی را تجربه کرد و در سال ۱۳۹۷ به ۰.۴۰۹۳ رسید. این شاخص در سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ نیز به ترتیب ۰.۳۹۹۲ و ۰.۴۰۰۶ بود و سپس در سال ۱۴۰۰ به ۰.۳۹۳۸ کاهش یافت.

شهرها همچنان نابرابرتر از روستاها

یکی از نکات قابل توجه در آمار سال ۱۴۰۴، تفاوت معنادار میان ضریب جینی خانوارهای شهری و روستایی است. در سال ۱۴۰۴ ضریب جینی خانوارهای شهری ۰.۳۶۸۶ و خانوارهای روستایی ۰.۳۵۴۳ ثبت شده است. بنابراین، نابرابری درآمدی در مناطق شهری همچنان بیشتر از مناطق روستایی بوده است. البته این فاصله در طول زمان ثابت نمانده است. در سال ۱۳۸۰ ضریب جینی شهری ۰.۴۱۹۹ بود، در حالی که شاخص روستایی ۰.۳۸۶۴ ثبت شده بود. بنابراین هر دو گروه در بلندمدت به سمت ضریب جینی پایین‌تر حرکت کرده‌اند، اما نابرابری در مناطق شهری همچنان بالاتر باقی مانده است.

افت نابرابری پس از یک دوره پرنوسان

مقایسه سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۴ نشان می‌دهد ضریب جینی کشور در سال ۱۳۹۷ در سطح ۰.۴۰۹۳ قرار داشت. این رقم در سال ۱۳۹۸ به ۰.۳۹۹۲ و در سال ۱۳۹۹ به ۰.۴۰۰۶ رسید. در سال ۱۴۰۰ نیز شاخص به ۰.۳۹۳۸ کاهش یافت و در سال ۱۴۰۱ به ۰.۳۸۷۷ رسید.

اما در سال ۱۴۰۲ دوباره افزایش یافت و به ۰.۳۹۷۹ رسید؛

یابد.

در این میان، فشارهای خارجی و تحریم‌ها از مسیرهای مختلف بر عملکرد اقتصاد اثر می‌گذارند؛ محدود شدن صادرات و دسترسی مالی، افزایش هزینه مبادلات، فشار بر بازار ارز، کاهش انگیزه سرمایه‌گذاری و تشدید نااطمینانی، همگی می‌توانند ظرفیت رشد اقتصادی را محدود کنند. تجربه دوره پس از بازگشت تحریم‌ها در سال ۱۳۹۷ نیز نشان داد که تشدید محدودیت‌های خارجی با کاهش تولید و سرمایه‌گذاری و افزایش فشارهای تورمی همراه شد. بانک جهانی در بررسی آن دوره، از افت شدید تولید و سرمایه‌گذاری در پی تشدید تحریم‌ها و افزایش نااطمینانی گزارش داده است.

بنابراین، کوچک‌تر شدن رشد اقتصادی در شرایط فشار خارجی، در نهایت می‌تواند خود را در درآمد واقعی، قدرت خرید و کیفیت معیشت خانوارها نشان دهد. از همین منظر، هرگونه کاهش تنش، گشایش در روابط اقتصادی و موفقیت مذاکرات و گفت‌وگوهای غیرمستقیم، در صورت تبدیل شدن به کاهش واقعی محدودیت‌های تجاری و مالی، می‌تواند فضای اقتصاد را برای افزایش سرمایه‌گذاری، بهبود تجارت، تقویت رشد و در نهایت بهبود درآمد حقیقی خانوارها مساعدتر کند. برآوردهای بانک جهانی نیز نشان می‌دهد که رفع محدودیت‌های تحریمی، به‌ویژه در حوزه نفت، تجارت و خدمات مالی و حمل‌ونقل، می‌تواند آثار رفاهی مثبتی برای اقتصاد ایران ایجاد کند.

از این منظر، تجربه دو دوره تشدید تحریم‌ها در سال‌های اخیر یک پیام اقتصادی روشن دارد: نادیده گرفتن اثر شوک‌های خارجی، جنگ و تحریم بر رشد، سرمایه‌گذاری و درآمد خانوارها نمی‌تواند تصویر کاملی از وضعیت معیشت ارائه دهد. البته این عوامل تنها بخشی از مسئله‌اند و سیاست‌های داخلی، تورم، بهره‌وری، سرمایه‌گذاری و ساختار بودجه نیز در تعیین مسیر درآمد و رفاه خانوارها نقش دارند. به همین دلیل، در صورت دور شدن از فضای تنش و ایجاد گشایش پایدار در تعاملات اقتصادی، می‌توان انتظار داشت بخشی از ظرفیت‌های از دست‌رفته رشد و درآمد خانوارها نیز امکان بازگشت پیدا کند.

افزایشی که در دو سال بعد جبران شد. در سال ۱۴۰۳ ضریب جینی به ۰.۳۸۷۰ و در سال ۱۴۰۴ به ۰.۳۸۴۹ کاهش یافت. بنابراین، اگرچه ضریب جینی در سال ۱۴۰۴ هنوز با پایین‌ترین سطح ثبت‌شده در این مجموعه آماری فاصله دارد، اما نسبت به نقطه اوج سال‌های اخیر وضعیت بهتری را نشان می‌دهد.

یک شاخص، اما نه تمام واقعیت معیشت

کاهش ضریب جینی را می‌توان نشانه‌ای مثبت در توزیع نسبی درآمد دانست، اما این شاخص به تنهایی نمی‌تواند درباره وضعیت رفاه خانوارها قضاوت نهایی ارائه کند. ممکن است همزمان با کاهش نابرابری، قدرت خرید بخش‌هایی از جامعه نیز تحت تأثیر تورم کاهش یافته باشد.

به بیان دیگر، کاهش فاصله نسبی درآمدی لزوماً به معنای افزایش رفاه واقعی همه خانوارها نیست. برای ارزیابی دقیق‌تر وضعیت اقتصادی خانوارها باید در کنار ضریب جینی، متغیرهایی مانند درآمد واقعی، قدرت خرید، نرخ تورم، فقر، هزینه‌های خانوار و سهم دهک‌های مختلف از درآمد نیز بررسی شود.

با این حال، آمار سال ۱۴۰۴ یک پیام روشن دارد: پس از افزایش نابرابری در سال ۱۴۰۲، ضریب جینی در دو سال متوالی کاهش یافته و به ۰.۳۸۴۹ رسیده است؛ روندی که در صورت تداوم می‌تواند نشانه‌ای از بهبود توزیع درآمد در اقتصاد ایران باشد.

فشار خارجی، رشد اقتصادی و سفره خانوار

کاهش ضریب جینی در سال ۱۴۰۴ را نمی‌توان جدا از تحولات همزمان اقتصاد ایران تحلیل کرد. اگرچه کاهش این شاخص به معنای بهبود نسبی توزیع درآمد است، اما همزمانی آن با کاهش درآمد حقیقی خانوارها نشان می‌دهد که کوچک‌تر شدن شکاف درآمدی الزاماً به معنای بهبود سطح رفاه عمومی نیست. در واقع، زمانی که اندازه کل اقتصاد و درآمد واقعی خانوارها تحت فشار قرار می‌گیرد، ممکن است توزیع درآمد اندکی متعادل‌تر شود، اما قدرت خرید بخش بزرگی از جامعه همچنان کاهش

ویدئو

بورس در یک قدمی ۸ میلیون

با آغاز معاملات بازار سرمایه در اردیبهشت، شاخص کل بورس روند صعودی خود را آغاز کرد و پس از عبور از رکورد تاریخی ۴.۵ میلیون واحد، به مسیر رکوردشکنی ادامه داد. شاخص کل در ادامه موفق شد، امروز با رشدی خیره‌کننده همراه شود؛ به‌طوری که شاخص کل به محدوده ۸ میلیون واحد رسید. در کنار روند صعودی بازار، وضعیت بنیادی شرکت‌های بورسی نیز مطلوب ارزیابی می‌شود. گزارش‌های ماهانه و عملکرد شش‌ماهه شرکت‌ها، بهبود وضعیت سودآوری بسیاری از بنگاه‌ها را تأیید می‌کند. همچنین رشد نرخ دلار و تورم، ارزش ریالی شرکت‌هایی را که از رشد قیمت‌ها عقب مانده بودند، افزایش داده و جذابیت سهام را بیشتر کرده است. در نتیجه، ورود نقدینگی به بازار سرمایه شتاب گرفته است. حال باید دید آیا شاخص کل بورس در معاملات فردا می‌تواند قله تاریخی ۸ میلیون واحدی را فتح کند.

